

بسم الله الرحمن الرحيم



❶ جایگاه استرآباد در نشریات عصر قاجار

❷ اسدالله معطوفی

سرشناسه: اسدالله معطوفی، ۱۳۳۶.

عنوان و نام پدیدآور: جایگاه استراهاد در نشریات عصر قاجار

مشخصات نشر: گرگان: تنعیم، ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری: ۷۱۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۱۳-۳۳-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیا.

یادداشت: کتابخانه.

موضوعات: مطبوعات -- ایران -- گرگان -- تاریخ -- ۱۱۹۳ - ۱۳۴۴ ق.

موضوع: مطبوعات -- ایران -- تاریخ -- ۱۱۹۳ - ۱۳۴۴ ق.

موضوع: ایران -- تاریخ -- قاجاریان، ۱۱۹۳ - ۱۳۴۴ ق. - مطبوعات.

رده بندی کنگره: ۴۱۳۹۴ گ ۱۹۳ / PN۵۴۴۹

رده بندی دیویی: ۰۷۹/۵۵۲۱۳۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۷۲۵۱۳





جایگاه استرآباد (گرگان) در نشریات عصر قاجار

تألیف: اسدالله معطوفی

صفحه آرایی: زهرا مجنونى

ناشر: تعین گران - ۴۷۱۶ ۳۷۸ ۳۲۵-۰۹۳۵

جانب غنیه، گرگان

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶

قطع: وریدی

تعداد صفحات: ۷۱۴، ۱۰۰ نسخه

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۱۳-۳۳-۳

همه حقوق این اثر برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

۳	پیشنگار
۹	گرگان و استرلید در گذر تاریخ
۱۳	ترکمانان
۱۸	چاپ و چاپخانه در ایران
۲۰	چاپ ژلاتینی
۲۱	چاپ سری
۲۱	چاپ ساکن
۲۹	سیر تاریخ شکل گیری نشریات
۳۳	کنترل و توقیف نشریات
۴۰	معرفی نشریات ارائه شده در این کتاب
۵۳	منابع خبری نشریات و نحوه توزیع آنها
۶۴	منابع و مآخذ
۶۷	منتخبی از نشریات عصر قاجار که در بهار بدادهای ایالت استرلید ثبت و درج شده بودند

پیشنگار

ایالت تاریخی گرگان که از آن در زمان داریوش هخامنشی و در ستون ۴، بند ۱۶ کتیبه بیستون و هرگان یاد شده، یکی از مناطق کهن ایران بشمار می رود. این ناحیه بعدها ولایت یا «ایالت استراباد» نام گرفت که تختگاه و مرکز آن هم «شهر استراباد» بود. در باره اهمیت و اعتبار این ایالت در طول تاریخ باید اذعان نمود که چند عامل بسیار مهم دخیل بوده اند. نخست موقعیت حساس منطقه ای آن که از گذشته دور به همراه ایالت بزرگ خراسان در مسیر تهاجم سکاها، هیاطله (هونها)، ترکان، مغولان، ازبکان و از زمان صفویان تا اواخر دوره قاجار در برابر تراکمه واقع شده بودند. بی دلیل نیست که بخش قابل توجهی از وقایع مندرج در نشریات دوره قاجار که مربوط به ایالت استراباد می باشد، متعلق به هموطنان کنونی ترکمان بود. دوم حضور روسها در همسایگی این ایالت، مخصوصاً آنکه از دوران پتر کبیر چشم به جنوب و ایالات شمالی ایران، رخته بودند. سوم راه خشکی و دریائی تجاری بین ایران و روس که در این حوزه ایالات آذربایجان، گیلان، مازندران، استراباد و خراسان حائز اهمیت فراوانی بودند. بعد از عهدنامه گلستان و ترکمنچای، نیز انعقاد قرارداد الحاقی ۱۰ ماده ای، این اهمیت دو چندان گشت. چهارم وجود اراضی حاصلخیز و تنوع محصولات و نیز فراورده های دامی خطه استراباد که در مقاطعی چند بسیار قابل توجه می نمود. بنابراین می توان دریافت که چرا در بسیاری از نشریات دوره قاجار هر از چند گاهی به وقایع استراباد توجه ویژه ای می گردید.

در کتاب حاضر سعی شده تا خلاصه ای از احوال و حوادث مهم مربوط به ایالت استراباد، بلوکات و روستاهای آن در تعدادی از نشریات عهد قاجار تا اریال دوره پهلوی مورد توجه و کنکاش قرار گیرند تا به این بهانه تعدادی از نشریات آن عصر هم به خوانندگان گرامی شناسانده شوند. البته محور و هدف نگارنده، همان تاریخچه نشر و نشریات در ایران و استراباد (گرگان کنونی) است که مخصوصاً برای فرهیختگان و روزنامه نگاران با دلایلی متعدد، مفید فایده واقع خواهد گشت. در این حوزه شاید این اولین کار پژوهشی در ایران با این سبک و سیاق باشد. مخصوصاً آنکه اتفاقات یک دوره کوتاه تاریخی یک ناحیه را هم از دریچه مجله آن عصر دیده ایم.

قدیمی ترین نشریات مورد استفاده در این کتاب همان اولین نشریه رسمی در ایران یعنی «کاغذ اخبار» مربوط به سال ۱۲۵۳ هـ ق (سومین سال حکومت محمدشاه قاجار) و دومین آن متعلق به سال ۱۲۶۷ هـ ق (سومین سال حکمرانی تاجالدین شاه) یعنی «روزنامه اخبار دارالخلافه طهران» می باشد که در آن آمده: «مقرر گردیده هر هفته اخبار داخله مملکتی و غیره را که در دول دیگر گزشت می نامند در دارالطباعة دولتی زده شود و در همه شهرهای ایران منتشر گردد». بر حسب قرارداد در یوم جمعه ۵ ربیع الثانی سنه ۱۲۶۷ به این کار شروع شد». در این شماره بطور مختصر در باره مازندران و استراباد چنین آمده: «در این صفحات کمال امنیت حاصل و مردم نهایت آسایش را دارند...». نشریه سوم «روزنامه وقایع اتفاقیه» نمره ۲۸ (شنبه ۱۶ شوال ۱۲۶۷) است که در قسمت «استراباد و گرگان» در باره قلعه خواجه نفس، بند گرگان، مستحفظین قلعه سلطان آباد و نیز فاصله بین خیوق، خراسان و استراباد پرداخته است.

در مورد روزنامه دارالخلافه طهران باید متذکر شد که فقط یک شماره منتشر گردید و از شماره دوم روزنامه وقایع اتفاقیه نام گرفت. این روزنامه هم بعدها از تاریخ ۵ شنبه ۱۹ صفر

۱۲۷۷ هـ ق «روزنامه دولت علیه ایران» نامیده شد. اما آخرین شماره نشریه مورد استفاده این کتاب، جیل المئین شماره ۴۶-۴۷ به تاریخ ۲۷ جمادی الاول ۱۳۴۶ هـ ق (۳۰ آبان ۱۳۰۶ خورشیدی- دومین سال حکومت رضاشاه) است. بنابراین بخشی از اتفاقات ۸۰ ساله ایالت استرabad، یعنی از اواسط دوره قاجار تا اوایل دوران پهلوی، آن هم از دریچه مطبوعات مورد مذاقه قرار گرفته اند. نام این نشریات، تعداد شمارگان و صفحات خوانده شده آنها در بخش جداگانه ای قید گردیده اند.

در وقایع ثبت شده این کتاب، می توان با گوشه های قابل توجهی از زندگی مردم، اوضاع اجتماعی، بخشی از تاریخ معاصر استرabad، بلوکات و دهات آن و نیز پاره ای از خصایص زندگی هموطنان ترکمان در آن دوران آشنا گردید. البته در حوزه تاریخ و پیشینه اجتماعی تراکمه، این نگارنده کتاب «تاریخچه چهار شهر ترکمن نشین گمیشان، آق قلعه، گنبد و بندر ترکمن» و نیز «تاریخ، فرهنگ و هنر ترکمان» را در ۳ جلد منتشر نموده است که در واقع وقایع مهم مربوط به ترکمانان را با در آنها جستجو نمود.

برجسته ترین حواص اجتماعی آن عصر استرabad که در لابلای مطالب این کتاب می توان یافت عبارتند از: وسیع کشوری، و دآمداری، تجارت، جاده ها و معابر، بیماریهای اپیدمی و واگیر بویژه وبا، طاعون و... طایفه و تش طبیبان و نیز حافظ الصحه، آتش سوزیها، مشکلات فرهنگی، امیدها و هراسها در بار وقایع، اتحاد و مقاومت های دسته جمعی و...

در مورد هموطنان ترکمان در بخش ویر ای در صفحات بعد توضیحات مکفی داده شده است، اما در اینجا ضرورت دارد که اشاره ای مختصر بر این مورد بشود که بخش قابل توجهی از مطالب نشریات آن دوران به طوایف و قبایل ترکمانی مقیم سرحدات شمالی خراسان و استرabad اختصاص می یافته اند. در این مورد گاه افراط پیش داواییهای بی جهت و اظهار وجود کردن گزارشگران و نیز حاکمان استرabad بخوبی مشهود هستند. حاکمان می باید مورد توجه اعلیحضرت همایونی، درباریان و اشرافیت کشوری و لشکری پایتخت نشین قرار می گرفتند. روزنامه نگاران و حاکمانی که با ایجاد گرد و خاک های بی جهت، موجب کسوف اعتبار می شدند. در این باب گاه گزارشگران از واژه های سخیف بهره می جستند که اینجانب در زیرنه ها از کلمات معادل متعادل بهره گرفته ام و یا از آوردن قسمتی از وقایع پرهیز نمودم. اصولاً سیاست «قتل عام درمانی» سلاطین و حکام بومی ناآشنا به مکانیسم اجتماعی طوایف در عهد قاجار بر تنشها می افزودند، هر چند گاه به گاهی حکام بومی استرabad شیوه های عاقلانه تری را هم مد نظر قرار داده و با دعوت از سران و ریش سفیدان (باشولی ها و آق سقل های) طوایف و قبایل ترکمان و اعطای خلعت و انعام به آنها در دیوانخانه و دارالحکومه استرabad، از آنها دلجوئی کرده و از درگیریها و تنش ها می کاستند و به دو طرف زندگی مسالمت جویانه را نیز می آموختند. و یا از وجود خود آنها برای برقراری نظم بهره می بردند. مثلاً نشریه «ثریا» در شماره ۹۱ خود متعلق به تاریخ ربیع الاول ۱۳۲۱ هـ نوشته بود: «سیف الدوله (حاکم استرabad معروف به امیرخان سردار) امسال سران ترکمان را به استرabad دعوت نمود و نظم راه صحرا (منظور دشت گرگان یا ترکمان صحرا بود) را به خود آنها سپرد». ولی گاهی هم برقراری اردوگاههای نظامی متحرک و محرک و نیز لشکرکشی ها سبب می گشت سردارها بویژه خانها و فئودالهای بومی منطقه از پولهای ارسالی از مرکز برای هزینه های این اردوکشی ها، جیبهای خود را پر کنند. چنین

مواردی در منابع و متون تاریخی ثبت و ضبط شده است و این نگارنده در کتابهای یاد شده در سطور قبل، بدانها استناد کرده ام. گاه گرفتن مالیات بیش از حد و یا در شرایط خشکسالی، ظلم مضاعفی بود که حکام بومی روا می داشتند. مهمتر از همه اکوسیستم و طبیعت خشن بی آب و علف آسیای میانه و سپس منطقه نیمه بیابانی دشت گرگان (ترکمان صحرای ایران) که تراکمه در آن از زمان سلجوقیان و مخصوصاً از عهد تیموری و صفوی در آنجا مستقر شده بودند، چیز قابل توجهی را برای یک زندگی متنعم عرضه نمی کرد. «اقتصاد معیشتی» بسیار ضعیف دامداری و قطعات خشک و بی آب اراضی کشاورزی محل زیست ترکمانان دشت گرگان نمی توانست کشش برای پرداخت مالیاتها زیاد را ایجاد کند. مضافاً بر اینکه تیره هائی از طوایف ترکمان به دلیل آنکه هنوز یکجانشین نشده و زندگی کوچ رو داشتند (چارواها)، از پرداخت مالیاتهای سرانه و سالیانه سر باز می زدند و بر خشم سلاطین و حکام بومی دست نشانده آنان در استراباد و سایر خرسان می افزودند. بی جهت نبود که در بین حوادث موجود در نشریات آن دوران، به تعداد آنها است که مثلاً چون گوکلانها مالیات ۳ یا ۴ ساله خود را نپرداخته بودند، حاکم استراباد اردوی نظامی عظیمی تشکیل داده و گاه با به مدد طلبیدن قشون بجنورد و قوچان، به یورتها (قلمرو) آنها حمله می بردند. اما تیره های یکجانشین شده، کشاورز (چمورها) و مطیع آنان که قدرت کوی و بجای را نداشتند، سعی می کردند زندگی مسالمت آمیزتری با مردم استراباد و حکام آنها داشته باشند. آنان گاه در نیروهای نظامی منطقه استراباد عضو هم می شدند و سهم جیره و مواجب دولتی می گرفتند. حفاظت از راهها مثل راه آق قلعه به استراباد را بر عهده می گرفتند. سران برخی از طوایف ترکمان با ورود حکام جدید به استراباد، به همراه سایرین به استقبال می رفتند و خلعت و انعام دریافت می نمودند. آنها گاه برای حضور در تعدادی از جشنها، به استراباد دعوت می شدند.

اما در تدوین این کتاب سبک و سیاق خاص و تهییدات مورد توجه قرار گرفته که ضرورت دارد برای تدقیق نظر خوانندگان گرامی در همین مقدمه، آنها اشاره گردد. اهم این موارد عبارتند از:

- برای نگارش این کتاب ۱۱۰ عنوان نشریه با حدود ۱۱۰۰ شماره تقریباً ۱۰۰۰۰۰ صفحه از آنها خوانده شده اند. از میان این نشریات، مطالب مربوط به ایستاد استراباد فقط در ۵۲ نشریه وجود داشت که شامل ۷۹۹۴ شماره و حدود ۶۱۰۰۰ صفحه می شد. این مطالب همچنین، انتخاب و ارائه گردیده اند. این ۵۲ نشریه را در صفحات بعد به طور مختصر معرفی نموده ایم. البته این مقدار هم بخشی از مطبوعات آن عصر بوده اند.

- ارائه صفحه اول این نشریات و گاه یک یا دو صفحه دیگر همان شماره ها، بدان جهت بود که خوانندگان گرامی علاوه بر بهره گیری از مطالب و اتفاقات مندرج در آنها، با تنوع نشریات هم آشنا شوند. بدین جهت در موارد نادر یک مطلب در دو نشریه آمده ولی باز ما هر دو را آورده ایم. - چون نشریات ابعاد مختلفی داشته اند، آنها را در زمان اسکن و کپی تقریباً به قطع و اندازه قابل استفاده در صفحات این کتاب در آورده ایم.

- کهنگی و گاه کثیفی بیش از حد سبب شده ضایعات را با نوک تیغ ورق به ورق تراشیده و تمیز نماییم. و یا بعضی از واژه ها و سطور را به علت کم رنگی، پر رنگ کنیم تا قابل خواندن شوند. حتی برخی از شماره های نشریات خط کشی های مخصوص ستون بندی بسیار بدی

داشتند که مجبور شدیم آنها را دو باره خط کشی نمائیم. چنانکه برای زیبایی دهی، گاه کل مطلب هر صفحه را نیز در یک قاب خط کشی شده قرار داده ایم.

- تعدادی از متن ها بسیار کم رنگ و غیر قابل استفاده بوده اند، اما به دلیل اهمیت آنها از جمله از نظر سندیت تاریخی، با حوصله سعی نموده ایم با نوک قلم حتی الامکان پر رنگ و قابل خواندن کنیم. در چنین مواردی و نیز در مورد مقالات و مطالبی که خیلی ریز بودند (مثل نوشته های روزنامه مجلس) و در زمان چاپ هم افت کیفیت پیدا می کردند، زیر نویس بیشتری برای آنها ارائه کرده ایم. با این وجود از خوانندگان گرامی تقاضا می شود فقط به خواندن زیر نویسها اکتفا نکنند، زیرا آنها بخش اندکی از اصل مطالب هستند.

- در زیر نویسها سعی شده حتی المقدور از خود متن و جملات ساده ژورنالیستی همان عصر استفاده شود تا خوانندگان گرامی مخصوصاً روزنامه نگاران با همان سبک و سیاق مطبوعاتی آشنا گردند، مگر در مواردی که مجبور شدیم مقالات یا نگاهشته های مطول را بسیار کوتاه کنیم.

- در مداد از آنها صفحه آرائی و اصول نگارش رعایت نمی شده اند، مثلاً برای تفکیک مطالب یا گزارشات، با قلم یک خط کوچک بین مطالب کشیده اند که گاه آنها را هم اصلاح نموده ایم.

- سرلوحه (لوگوی) بعضی از نشریات در طول حیات فعالیتشان چند بار عوض یا تغییراتی پذیرفته بودند که به راحتی می توان در مدادی از شماره های عرضه شده مشاهده نمود.

- در برخی از نشریات اتفاقات بسیار نادر و گاه کم اهمیت در ۲ تا ۴ یا ۵ خط ثبت شده بودند که در چنین مواردی یا از آنها چشم پوشی نمودیم و یا چند مطلب موجود در چند شماره را در صفحه اول یک شماره سازماندهی کردیم. در چنین شرایطی نمره (شماره) و تاریخ هر مطلب را در آغاز آنها آورده ایم.

- برخی از نشریات تعداد صفحاتشان متغیر بود. اند. مثلاً جیل المیتین ۱۵، ۲۰، ۲۴ و گاه در ۲۵ صفحه چاپ می شد و یا روزنامه وقایع اتفاقیه در ۶، ۸ و ۱۰ صفحه هم به چاپ می رسید. در مورد نشریه ثریا ۱۶، ۱۸، ۲۰ و تربیت ۴، ۶ و ۸ صفحه هم دیده شد. اند. تعدادی از نشریات بسیار کم صفحه، مثل خلاصه الحوادث یک صفحه، مرات السفر ۲ صفحه، تعدادی هم بسیار پر صفحه بوده اند. مثلاً مظفری ۱۶، جیل المیتین گاه تا ۲۴ و حفظ اصح ۳۰ نسخه داشته اند که ما فقط از یک و بندرت از ۲ صفحه آنها که مطلب در باره استرabad داشتند، بهره گرفته ایم.

- بعضی از این نشریات چند بار خط نگارش خود را عوض می کرده اند که اتفاقاً این مسئله را در مورد مثلاً روزنامه «ایران» می توان مشاهده نمود. برای چاپ حتماً یا از چاپ سربی (حروفی- تیپوگرافی) و یا چاپ سنگی (لیتوگرافی) بهره می بردند. همچنین غیر از خط، گاهی تعداد ستونها، تغییر محل مطالب در صفحات مختلف و موارد دیگر از جابجائی ها هم دیده می شدند.

- مطالب برخی از نشریات را که طولانی بوده اند در ۳، ۴ و ۵ بندرت در ۴ صفحه آورده ایم. در چنین مواردی بوسیله علامت فلش خوانندگان را به صفحه بعد راهنمایی و ارجاع داده ایم. البته حسن چنین مواردی آن است که خوانندگان عزیز غیر از صفحات اول، با صفحات دیگر نشریات آن دوران آشنائی پیدا می کنند.

- در نشریاتی که مطالب مربوط به استرآباد در صفحات غیر از صفحه اول بوده اند، آن مطالب را سعی کرده ایم در صفحه اول آورده و سازماندهی نمائیم. این مسئله که در اکثر قریب به اتفاق صفحات کتاب اتفاق افتاده دو حسن دارد. نخست هر مطلب را با همان صفحه اول خود نشریه به نمایش گذاشته ایم. دوم از تعداد صفحات کاسته و حجم کتاب را بطور قابل توجهی کم کرده ایم. نکته دیگر آنکه چون تا بحال با این روش و سبک و سیاق در ایران کتابی نوشته نشده است، آنرا می توان بخاطر ارائه صفحات و چینش مطالب، نوعی ابداع و نوآوری بشمار آورد.

- هر چند محور کتاب بر روی مسائل مربوط به استرآباد، بلوکات و روستاهای آن است، اما از آوردن برخی از مطالب مهم و مخصوصاً در مورد ولایات و شهرهای شمالی مثل گیلان، مازندران، شاهرود، سمنان و... پرهیز نکرده ایم. لازم به ذکر است که در بعضی از نشریات، مخصوصاً جریده ایران و ایران سلطانی، در شماره های بین سالهای ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۵ هـ ق، به تعداد از تیتیر «استرآباد و گرگان» و گاه «استرآباد، گرگان و ترکمان» استفاده می کرده اند. در این باب باید یاد آوری نمائیم که منظور آنها از واژه گرگان، منطقه شرق ایالت استرآباد، یعنی حوالی گنبد قابوس که در حاشیه خرابه های شهر تاریخی جرجان ساخته شده بود، می باشد. در این مورد در چند نشریه از جمله «اعلانات دولتی» متعلق به تاریخ ۱۴ ربیع الاول ۱۲۸۱ هـ به صراحت اشاره شده است.

- گاه تعریف و تکریم ادر مورد خدمات ارشد کشوری و لشکری ملی و بومی و نیز تکذیب و تحقیر افراد مغضوب را به حد افراط در بعضی از مطالب روزنامه های آن دوران می توان به تعدد دید. این نوع مطالب در واقع نوعی حربه خواری محسوب می شدند و اصولاً چنین روزنامه نگارانی دو قدم از طوطی هم عقب مانده نبودند. مثلاً در «ثریا» شماره ۴۵، ۸ شعبان ۱۳۱۸ هـ در باره حاکم استرآباد علاءالدوله آمده: «سیاست و کیاست او رشک ممالک آمریکا گردیده... حکمرانان آمریکا باید بیایند به حکمرانی و غلامداری حضرت علاءالدوله در استرآباد تاسی کنند...!!». یا با ورود هر حاکم جدیدی به استرآباد، مدتی بعد نشریات شروع به تعریف و تمجید کرده و همه جا را در امن و امان، مردم را در آسایش کامل و حاکم را عامل فراوانی و ارزانی معرفی می کردند. اما گاهی خبرنگار، گزارشگر و یا مدیر مسئول خبری هم پیدا می شد که حاکم استرآباد را به باد شدیدترین انتقادهای می گرفت. مثلاً در «حسن الحین» نمره ۲۶، ۲ شنبه، ۲۱ محرم ۱۳۱۸ هـ آمده: «امیر توپخانه حاکم استرآباد بی لیاقت و بدست انداخته قنصل روسها در استرآباد باید دانست». چنین روزنامه نگارانی حاضر نبودند تا زیر سیروانی قدرت حاکم پناه بگیرند و از تابش آفتاب بی بهره بمانند.

- برای تکمیل مطالب و نیز بهره گیری مناسب خوانندگان گرمای از وقایع مربوط به آن دوران، چند سند تاریخی را نیز در جای خود عرضه کرده ایم.

- در چینش کلی مطالب خود کتاب سعی کرده ایم ابتدا چند بخش مهم را به عنوان مداخل ورودی آورده و سپس خوانندگان گرمای را به اصل مطالب برسانیم. اهم این موارد عبارتند از:

(۱) - مسئله چاپ و چگونگی شکل گیری چاپخانه ها در ایران و استرآباد، زیرا اساس کار نشر و نشریه مبتنی بر وجود چاپخانه ها بوده است.

(۲) - سیر تاریخی شکل گیری نشریات در ایران و سپس استرآباد.

(۳) - معرفی مختصر نشریاتی که در این کتاب بدانها استناد شده و شماره هائی از آنها را آورده ایم.

(۴) - منابع خبری روزنامه های آن دوران و چگونگی توزیع در شهرها، ولایات و ایالات از جمله در استرآباد.

(۵) - معرفی کوتاه ایالت استرآباد، زیرا در صفحات نشریاتی که ارائه گردیده اند، بطور مرتب از بلوکات و مخصوصاً دهات این ایالت نام برده شده است.

(۶) - معرفی بسیار کوتاه هموطنان ترکمان که بخش قابل توجهی از مطالب مربوط به استرآباد به آنان اختصاص دارد. بعلاوه این نگاشته ها گوشه هائی از زندگانی آنها در آن عصر را می نمایانند.

(۷) - و